

گردو

(دانش بومی کاشت، داشت و برداشت)

محمدحسین پاپلی یزدی* ، عباس جلالی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۰

چکیده

مسائل روستایی، مسائلی بسیار پیچیده و ژرف هستند که بیشتر آن‌ها در ساختار اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی روستاها رسوخ کرده و به صورت جزئی از اجزای زندگی و نوع معیشت روستایی در آمده‌اند. اگر به مسائل روستایی با دیدی ساده و یک‌سویه (مثلاً اقتصادی صرف) بنگریم، امکان پی بردن به ژرفای آن‌ها فراهم نمی‌شود. در پس بسیاری از اصطلاحات و کلمات روستایی مطالبی بسیار نهفته است که ریشه در اعماق فرهنگ آن خطه دارد. جهان مادی‌گرای فعلی و آن‌ها که جهان، شهر، روستا و عشایر را فقط از دید اقتصادی و حساب‌های سرانگشتی و ریالی و آماری محض می‌بینند و توسعه و رشد را از راه ارقام صرف جستجو می‌کنند، محکوم به ساده‌اندیشی و ساده‌نگری هستند. اگر همه امور؛ به‌ویژه روابط فرهنگی-اجتماعی با دید اقتصادی محض نگریده شود، کم‌کم فرهنگ اقتصاد برتر بر همه جهان سایه می‌گسترده. این کار بی‌معنایی، پوچی و یکدست شدن زندگی را در همه جا و همه مکان‌ها در پی خواهد داشت.^۱

گردو یک کلمه و یک میوه بیش نیست. در کتاب‌های آمار هم در مقابل واژه گردو، چند رقم بیشتر ذکر نشده است. اما گردو به‌ویژه در مناطق کوهستانی (همانند خرما در مناطق گرم و زیتون در مناطق مدیترانه‌ای)، گذشته از محثی اقتصادی یک عامل مهم فرهنگی-اجتماعی است که پیشینه‌ای بسیار کهن دارد. آن‌ها که با مکتب ساخت یا ساختارگرایی آشنایی دارند می‌دانند که؛ جزئی از اجزای ساخت بودن یعنی چه.

واژه‌های کلیدی: درخت گردو، روستا، عشایر، مناطق کوهستانی، خراسان

papoli.Mh@gmail.com

* استاد جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

** پژوهشگر دانش بومی.

۱- برای این که نسل جوان، به‌ویژه نسل جوان تحصیل کرده به ژرفای گوشه‌های از مطالب و مسائل روستایی پی‌برد، طرح فرهنگ اصطلاحات روستایی خراسان به دانشگاه فردوسی مشهد ارائه شد که مورد تصویب قرار گرفت.

طرح مسئله

گردو یکی از تولیدات روستایی، به‌ویژه روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی دره‌ای است. بنابراین یکی از، زیرمجموعه‌های روستایی است. در حقیقت باغداری زیرمجموعه‌ای از مسائل روستایی است و گردو یکی از زیرمجموعه‌های باغداری به شمار می‌رود. مسائل اصلی که نظر دست‌اندرکاران این تحقیق را به خود جلب کرد، تا موضوع را ژرف‌تر را بکاوند به شرح زیر بود:

گردو علاوه بر یک واژه که بیانگر نام یک محصول درختی است، یک اصطلاح روستایی است که دربرگیرنده معانی و تعابیر و مفاهیم اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی است. این تعابیر که در پشت این واژه نهفته است کدامند؟ دانستن این امر خود یک مسئله بنیادی برای پژوهشگران بود.

در سال‌های دهه ۵۰-۱۳۴۰ در بسیاری از روستاهای خراسان (و در برخی نقاط دیگر ایران) درختان گردوی زیادی قطع گردیده و به‌جای آن درختان سیب، گیلاس، آلو و ... کاشته شد. در سال‌های کنونی به علت گرانی گردو و مشکلاتی که روستاییان در مقابل محصولاتی چون سیب و گیلاس پیدا کردند (کاهش نسبی قیمت، هزینه بالای انبارداری، آفت‌های گوناگون و...) کاشت گردو دوباره رونق پیدا کرد. علت آن قطع بی‌رویه و این رونق کاشت دوباره چیست؟

درحالی‌که طی دو سه دهه اخیر در خراسان باغ‌های بزرگ چندین ده هکتاری سیب، گلابی، گیلاس و ... به روش‌های مدرن و نیمه مدرن ایجادشده، باغ‌های گردو در این مقیاس به وجود نیامده است. در حقیقت گردو (حتی آن‌هایی که به‌تازگی کشت می‌شود) به‌عنوان یک محصول سنتی باقی‌مانده و به‌ندرت تبدیل به باغ‌های بزرگ با استفاده از روش‌های باغداری مدرن شده است. این امر چه دلایلی دارد؟

مبانی تئوریکی

می‌توان گفت گردو یک جزء (هرچند کوچک) از اجزای ساخت جامعه روستایی است. گردو محصولی است که به علت دیرینگی کاشت آن در ایران و نیز عمر دراز درخت، چیزی بیش از یک مسئله اقتصادی است. به همین جهت می‌تواند در ساختار اجتماعی-اقتصادی- فرهنگی روستا، ولو اندک، نقش داشته باشد. برای همین می‌توان آن را در مکتب ساخت یا ساختارگرایی قرار داد و در داخل این مکتب به بررسی آن پرداخت. در حقیقت وقتی گردو را جزئی از یک ساخت روستایی تلقی کنیم (البته ممکن است عده‌ای با این نظر موافق نباشند) این حُسن را دارد که فرضیه‌سازی را برای ما آسان می‌کند. زیرا با داشتن یک ایده تئوریکی و در نظر داشتن فرضیات می‌توان تحقیق را جهت یافته و در چارچوب‌های معین هدایت و به پایان برد.

فرضیات^۱

- ۱- گردو علاوه بر نقش اقتصادی به علت قدمت (تاریخ) کاشت و عمر دراز درخت، دارای نقش فرهنگی- اجتماعی نیز هست (می‌توان گفت گردو در مناطق کوهستانی همان نقش خرما در مناطق گرمسیر را دارد) (پاپلی یزدی، ۱۳۶۸).
- ۲- جمع‌آوری محصول احتیاج به نیروی انسانی نسبتاً زیاد در زمانی محدود دارد. این امر موجب ایجاد فعالیت‌های ویژه اجتماعی از جمله یآوری‌های سنتی شده است.
- ۳- عمر درخت گردو معمولاً بیش از عمر یک انسان است. این امر موجب یک سری روابط ارثی و سیستم سهم‌بری و خرد شدن مالکیت حتی برای یک درخت می‌شود.

۱- از یک دیدگاه می‌توان گفت که تحقیق اکتشافی است و فرضیه ندارد.

روش تحقیق

۱- مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (ادبیات مربوط)

الف) مطالعات کتابخانه‌ای: برای به دست آوردن اهمیت و ویژگی‌های درخت گردو، مناطق عمده تولیدکننده (جهان، ایران، خراسان)، سطح زیرکشت، میزان تولید، کاربردهای چوب، برگ، میوه و همچنین کسب اطلاعاتی که حتی ایده آن‌ها در ابتدا در ذهن نگارندگان نبوده است، به فرهنگ‌ها و کتب و مقالات مراجعه شده است، تا به اصطلاح ادبیات مربوط مورد مطالعه قرار گیرد. در این مورد مطالب مربوط به گردو فیش‌برداری شد.

ب) مطالعات اسنادی: در جریان مطالعات مربوط به گردو متوجه شدیم که تعداد زیادی درخت گردو در روستاهای مختلف به صورت وقف وجود دارد. برای به دست آوردن اطلاعات و اسناد لازم به اداره کل اوقاف خراسان مراجعه و اطلاعات جالب و مهمی جمع‌آوری شد. این مطالعه موجب گردید که انتخاب عمده‌ترین روستای نمونه در خراسان (یعنی روستاهایی که تعداد زیادی درخت گردوی موقوفه در آن‌ها وجود دارد) آسان شود^۱.

۲- مطالعات میدانی

انتخاب روستاهای نمونه (تیپ): در این گونه مطالعات، نمی‌توان به یک نمونه‌گیری به روش آماری دست زد. اگر جامعه آماری را روستاهای خراسان بگیریم که تعداد آن‌ها بالغ بر ۷۹۰۸ آبادی مسکونی است متوجه می‌شویم که در بیشتر این آبادی‌ها و روستاها درخت گردو وجود ندارد. در این صورت انتخاب تعداد روستاها از طریق نمونه‌گیری تصادفی ممکن است ما را به هدف نرساند و روستاهایی انتخاب شوند که

۱- در مراجعه به اداره کل اوقاف خراسان، آقای عبدالرضا امیر شیبانی کمال همکاری و مساعدت و راهنمایی لازم را کردند که از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۵

در آن‌ها اصلاً گردو وجود ندارد. در حقیقت جامعه آماری واقعی، کل روستاهای گردو خیز استان خراسان است. به دست آوردن نسبت کل روستاهای گردو خیز خراسان هزینه‌بر است. به‌علاوه حتی لیست روستاهای گردو خیز نیز ما را به واقعیت رهنمون نمی‌شود، زیرا بسیاری از روستاها با داشتن چند درخت گردو جزو لیست روستاهای گردو خیز قلمداد شده‌اند.

بنابراین به علت محدودیت اعتبار، به‌عوض به دست آوردن تعدادی روستای نمونه، از کل جامعه آماری، روستاهای نمونه انتخاب گردید. برای انتخاب روستاهای نمونه اقدامات زیر انجام شد:

الف) با مراجعه به اداره کل اوقاف عمده‌ترین روستاهایی که دارای بیشترین درخت وقفی بودند، (فریزی و اخلمد)^۱ انتخاب شدند.

ب) چون می‌دانستیم که عمده‌ترین روستاهای گردو خیز در دره‌ها؛ به‌ویژه انتهای دره‌های کوهستانی قرار دارند، چند روستای عمده کوهستانی خراسان؛ گیغان، بقمج، مصعبی، روئین، باغکند، اورته کند و ژرف را به‌عنوان روستاهای تیپ برگزیدیم. در پرس‌وجوهای اولیه و مراجعه مستقیم به این روستاها معلوم شد که انتخاب این روستاها خطا نبوده است. مسلماً شناخت مجری و همکاران او از روستاهای خراسان به این مسئله کمک اساسی کرده است.

پ) در مطالعات گسترده‌ای که برای کار طرح فرهنگ اصطلاحات روستایی خراسان در جریان است و بدین منظور مسافرت‌های بسیاری توسط مجری و همکاران طرح انجام می‌شود، در مراجعه به روستاها موضوع گردو نیز تعقیب گردید و گاه به‌طور تصادفی موارد جالبی مانند روستاهای کنگ و کلیدر (که در حقیقت شامل مورد دوم نیز می‌شود) مورد توجه قرار گرفت؛ که باعث شد این روستاها نیز مورد مطالعه قرار گیرند.

۱- آوای واژگان بومی و جنایت‌ها در پایان مقاله آمده است.

شیوه مطالعه میدانی

شیوه مطالعه، پرسشگری یا مصاحبه حضوری و با روش ژرفانگری است. برای مطالعه گردو پرسشنامه ویژه‌ای که از تعدادی افراد پرسیده شود تهیه نشده است. در روستاهای نمونه ابتدا افراد خبره و مسن و یا مسئولان امر (متولی گردوهای وقفی، مسئول شورای اسلامی) انتخاب می‌شدند و بعد به‌طور انفرادی و یا در حضور جمع مثلاً در مسجد یا میدان روستا مصاحبه انجام می‌شد. مصاحبه بر روی نوار کاست ضبط و درعین‌حال در برخی موارد یادداشت‌برداری می‌شد. مسلماً پرسشگران خود دستورالعملی (پرسشنامه‌ای) را از پیش آماده و به ذهن سپرده بودند. به هنگام مصاحبه مشخص می‌شد که در هر روستا یکی دو نفر فرد خبره علاقه‌مند وجود دارد. تماس با این اشخاص زیادتر می‌شد. پس از مصاحبه و بازگشت به دفتر کار در مشهد اگر مشکلی پیش می‌آمد با مراجعه مستقیم دوباره به این افراد یا از طریق تلفن پرسش‌های تکمیلی انجام می‌شد.

علاوه بر مصاحبه با افراد در روستاها، با تعددی از روستاییان خبره که به شهرها مهاجرت کرده‌اند و به‌ویژه مقیم مشهد هستند نیز تماس برقرار و اطلاعات تکمیلی از این افراد گرفته شد. در شهر مشهد علاوه بر روستاییان به چند نفر خبره در امور تجارت گردو نیز مراجعه گردید. باز هم از طریق مصاحبه حضوری و پر کردن نوار کاست و یا یادداشت‌برداری مطالب لازم به دست آمد.

تنظیم مطالب

کار دفتری؛ پیاده کردن نوار کاست بر روی کاغذ

الف) همه نوارهای مصاحبه در روی کاغذ پیاده گردید، سپس از این یادداشت‌ها و یادداشت‌هایی که در محل برداشته شده بود فیش‌برداری شد.

ب) فیش‌برداری

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۷

ب-۱- پس از پیاده کردن نوارها بر روی کاغذ، کلیه مطالب مربوط به گردو فیش برداری شد.

ب-۲- یادداشت‌های به‌دست‌آمده در روستاها نیز تبدیل به فیش شد.

تنظیم فیش‌ها

الف) در هم کردن فیش‌های مربوط به مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی.

ب) طبقه‌بندی فیش‌ها بر مبنای موضوعات اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ...

نوشتن مقاله

الف) نوشتن مطالب مقاله بر مبنای مدارک (فیش‌ها، نقشه‌ها، عکس‌ها و ...).

ب) نوشتن مطالب بر مبنای استنباط از مطالب موجود و گرفتن نتیجه و در نهایت

رد یا قبول فرضیات.

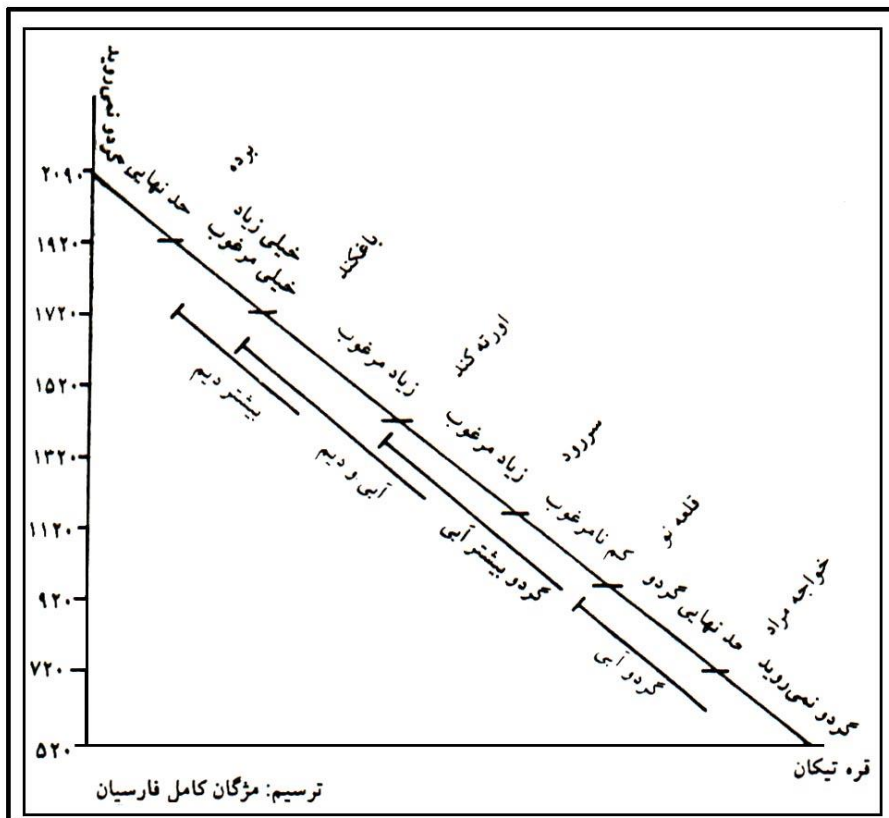
گردو (نمونه خراسان)

گردو (ger.du) نام گونه‌ای درخت است که در سراسر جهان به دلیل میوه و چوبش معروف است. گردوی ایرانی یکی از ۱۷ جنس (در دانشنامه امریکانا، ۲۰ جنس آورده است) این گونه و مهم‌ترین آن‌هاست.

«گردوی بومی دنیای قدیم، گردوی ایرانی / فارسی (Juglans regia)، یکی از مهم‌ترین درختان گردوی مناطق معتدله است. چوب‌های دکوری بسیار عالی از آن به دست می‌آید. پیشینه کشت این گونه، آن‌قدر قدیمی است که خاستگاه آن ناشناخته مانده» (Encyclopedia Americana, 1985) بلندی آن به بیش از ۳۰ و قطر تنه‌اش به بیش از ۱/۸ متر می‌رسد. از مهم‌ترین سخت‌چوب‌هاست و عمرش به چند صدسال می‌رسد. میوه گردو درون پوسته‌ای نسبتاً سخت با ضخامت متفاوت قرار دارد. برگ‌ها مرکب‌اند و پوست آن به رنگ روشن تا سفید و در درختان جوان بسیار نرم و هموار است ولی با گذشت عمر خاکستری و ترک‌دار می‌شود. خاستگاه این درخت معلوم

نیست^۱، هرچند که برخی معتقدند خاستگاه آن ایران و آسیای صغیر است (معین، ۱۳۷۱). درخت گردو را در اکثر نقاط ایران به‌ویژه نقاط کوهستانی و کوهپایه‌ای می‌توان یافت. بهترین آب‌وهوا برای درخت گردو آب‌وهوای نیمه سرد و مرطوب و کم باران است. در سراسر ایران و از جمله خراسان، به‌ویژه در دره‌های کوهستانی این درخت پراکنده است. هر چه از شمال خراسان به‌سوی جنوب پیش برویم رویش گردو به‌سوی کوهپایه‌های با ارتفاع بیشتر گسترش می‌یابد. ارتفاع و شرایط اقلیمی نقش مهمی در رشد این درخت و مرغوبیت محصول آن دارد.

در خراسان این درخت حداکثر تا ارتفاع ۲۱۰۰ متری و در موارد بسیار استثنائی تا ارتفاع ۲۳۰۰ متری به‌شرط واقع نشدن در مسیر باد رشد می‌کند. هر چه ارتفاع بلندتر باشد مغز گردو سفیدتر و مرغوب‌تر می‌شود. مغز گردوی واقع در ارتفاعات پست، تیره و در نتیجه کم‌ارزش‌تر از مغز گردوی واقع در ارتفاع بلند است. اگر یک دره کوهستانی؛ مثلاً دره سررود واقع در بخش کلات نادری را در نظر بگیریم از آبادی خواجه مراد (ارتفاع ۶۵۰ متری) (پاپلی‌یزدی، ۱۳۶۷) به‌طرف پایین که هوا گرم است درخت گردو نمی‌روید و اگر هم تک‌درخت‌هایی باشد محصول آن مرغوب نیست. از این آبادی و یا در حقیقت از این ارتفاع (۶۵۰ متری) به بالا درخت گردو وجود دارد و در مسیر دره هر چه به‌طرف ارتفاع بالاتر حرکت کنیم محصول گردو مرغوب‌تر می‌شود. در آبادی باغکند با ارتفاع ۱۷۰۰ متر درخت گردو بسیار زیاد و محصول آن نیز بسیار مرغوب است. در آبادی برده با ارتفاع ۱۸۷۰ متر باغات گردو خیلی کم است و در آبادی آبکمه با ارتفاع ۲۰۹۰ متر درخت گردو اصلاً وجود ندارد. نمودار زیر می‌تواند موضوع را به‌خوبی نشان دهد.



عوامل اقلیمی نقش مهمی در رشد درخت گردو دارند. گاه یک عامل اقلیمی باعث می شود که در دو آبادی تقریباً هم ارتفاع در یکی گردو باشد و در دیگری یا اصلاً نباشد یا بسیار کم وجود داشته باشد. مثلاً در سرچشمه های رودخانه اترک در آبادی عمارت با ارتفاع ۱۷۰۰ متر درخت گردو بسیار کم است. یکی از علل عمده کمی درخت گردو در این روستا جهت وزش باد است که مانع مهمی در رشد درخت و عامل عمده سرمازدگی نهال در زمستان است. اما در دره یدک (سرچشمه دیگر اترک) با ارتفاع ۱۷۶۰ متر درخت گردو بسیار زیاد است و محصول آن نیز بسیار مرغوب است؛ زیرا جهت این دره به گونه ای است که وزش باد نمی تواند مانع رشد نهال گردو باشد.

اسامی درخت

اسم درخت و میوه آن در مناطق مختلف خراسان با آواهای گوناگون خوانده می‌شود. در بیشتر نقاط خراسان درخت و محصول آن را گردو می‌نامند، اما در گیفان آن را جز Jes، در گلمکان جوز Jaws و در مهوید جوز Jows می‌نامند. در حقیقت مهم‌ترین اسامی این درخت در خراسان گردو و جوز است.

کاشت

زمان کاشت: گردو را در پاییز (قبل از نشستن برف بر روی زمین) و یا در بهار حدود نوروز (پس از ذوب شدن برفها) می‌کارند.

نحوه کاشت

کاشت دستی: گردو را ابتدا در خزانه می‌کارند. برای این کار ابتدا قطعه زمین مناسبی را در باغ انتخاب می‌کنند (در روستای فریزی به این قطعه زمین حیطه چه hay.Ta.ca می‌گویند). حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ گردوی بسیار خوب را از میان گردوها دست‌چین کرده و آن‌ها را زیرخاک می‌کنند (مثل روستای فریزی). در برخی روستاها ابتدا گردوها را خیس کرده و سپس آن‌ها را به اندازه ۴ انگشت زیرخاک می‌کنند (مثل روستای گیفان).

جابه‌جایی نهال از خزانه به محل اصلی: با بالا آمدن نهال شاخه‌های نازک (پاجوش) اطراف آن را هرس می‌کنند تا گیاه خود را بالا بکشد و رشد کند. نهال ۳ سال در خزانه می‌ماند. سال سوم ارتفاع نهال به حدود ۱/۵ متر می‌رسد. در این موقع نهال را با ریشه و خاک از جای درمی‌آورند. ریشه را در داخل گونی مرطوب می‌پیچند تا از گزند در امان بماند و آن را به محل اصلی کاشت درخت حمل می‌کنند. چنین نهالی را در روستای فریزی وررو (var.row) و در فردوس ورو (varow) می‌گویند.

کاشت طبیعی: گردوهای خودروی بسیاری در طبیعت وجود دارد. در خراسان به کاشت خودرو «کلاغ کشت» می‌گویند. کلاغ‌ها گردوهای رسیده را که معمولاً

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۱۱

درشت‌ترین آن‌ها نیز هستند برای خوردن انتخاب می‌کنند. تعدادی را می‌خورند و تعدادی را در جاهای دور از چشم و دسترس زیرخاک پنهان می‌کنند. همین کار باعث می‌شود گردو رشد کند و نهال آن تبدیل به درختی تناور شود. کلاغ در چرخه اکولوژی نقش خود را ایفا می‌کند. بدون این عمل کلاغ، پیدایش درخت گردوی طبیعی با مشکل روبرو می‌شود.

کشتگاه دائمی

گردوی آبی: گودالی قیفی شکل با درازا و پهنا 1×1 و ژرفای $0/5$ متر در باغ موردنظر حفر می‌کنند و نهال را در آن می‌کارند. این نهال‌ها در هر مدار گردش آب که ممکن است بین ۷ تا ۱۸ روز باشد آب می‌خورند.

گردوی دیمی: گودالی با اندازه‌های 1×1 و ژرفای $0/5$ متر را در محل موردنظر که معمولاً در شیب دامنه‌های رو به آفتاب است حفر می‌کنند و نهال را در آن می‌کارند. سعی می‌شود نهال گردوی دیم/دیمه در جایی کشت شود که امکان جذب رطوبت و آب باران و برف باشد. پس از کاشت نهال دیم چندین بار با سطل به آن آب می‌دهند تا نهال خود را در خاک بگیرد، از آن‌پس گردوی دیم دیگر آبیاری نمی‌شود.

درخت گردو

گردوهای معمولی در شش یا هفت‌سالگی به بار می‌نشینند. از این زمان به بعد به آن «درخت گردو» می‌گویند. درخت گردو تنها در دوره سه‌ساله (وررو یا نهال بودن) و سال اولی که به کشتگاه دائمی آورده می‌شود نیاز به مراقبت و رسیدگی ویژه دارد. پس از آن نگهداری این درخت بسیار آسان است. برای گردوهای آبی تنها کار آبیاری و کوددهی انجام می‌شود. برای گردوهای دیم همین کارها را هم انجام نمی‌دهند.

گونه‌های گردو و نام‌های آن در خراسان

میوه گردو (جوز) بر پایه ویژگی‌هایی همچون نازکی پوست، آسانی یا دشواری بیرون آوردن مغز از پوسته و ریزی و درشتی آن در جاهای گوناگون خراسان نام‌های مختلفی به خود گرفته است.

۱) کاغذی / خوره خورده (xo.re.xor.da) [در فریزی

بهترین و مرغوب‌ترین گونه گردوست. با پوستی نازک که با دست هم می‌شکند. مغزش سفید و به آسانی بیرون می‌آید. مغز این گردو از همه گران‌تر است. این نام در بسیاری از نقاط ایران و خراسان متداول است.

۲) نرمک (nar. mak) [در فردوس]، مته گرد (mat. te.gerd) [در کنگ]

پوستش از کاغذی سخت‌تر و دارای مغزی سفید است که به آسانی بیرون می‌آید.

۳) سوزنی، کلویی (ke. lo. yi) سنگی [در گیفان]، جوالدوزی [در فردوس]،

کلاغونه (ke.la.qu.na) / کله فونه (kal.le.qu.na) [در فریزی] / کلاک پیر (kelak.pir)

[در کنگ]

پوسته‌ای نسبتاً سخت دارد و پس از شکستن مغز آن به سادگی از پوسته جدا

نمی‌شود و برای بیرون آوردن آن باید از جوالدوز استفاده کرد.

۴) معمولی، چینگ بلند (land.bo.Cing) / چینگی (cin.gi) / جوز نوشته (Jaw.z-

e-ne.ves.ta) [در فریزی]، لال (lal) [در گیفان] / مته دراز (mat.te.ye.de.raze) [در کنگ]

گردویی است با نوک تیز و مغز پر و خط‌هایی روی مغزش به چشم می‌خورد.

۵) شگلو (se.ga.lu) [در فریزی]، قق (qeq) [در گیفان]

گردویی است ریز و گرد.

۶) دست رونشو (das.te.ru.na.sow) [در فریزی]

گردویی است که روی مغز آن خاکستری‌رنگ است. گونه‌ای نایاب و در حال

نابودی است، به طوری که در فریزی تنها یک درخت از آن وجود دارد.

باید یادآور شد که از چندین دهه پیش گونه‌ای درخت گردوی به اصطلاح خارجی کاشته می‌شود که زود به بار می‌نشیند و به دلیل سودآوری‌اش همه به آن روی آورده‌اند؛ اما جنس گردوی آن چندان مرغوب نیست. درحالی‌که گردوی بومی ایران در هفت‌سالگی به بار می‌نشیند عمر آن به بیش از چند صدسال می‌رسد.

باردهی و سودآوری گردو در خراسان

باردهی دراز آهنگ و بسیار فراوان گردو از یک‌سو، کاشت، داشت و برداشت بسیار آسان، عمر دراز درخت و پایداری آن در برابر آفت‌های گیاهی از دیگر سو، این درخت را در شمار درختان سودآور جای‌داده است. این درخت پس از هفت‌سالگی که به بار نشست، هر ساله بر میزان باردهی‌اش می‌افزاید. درختان کهنسال گردو بیشترین بارآوری را دارند. در اخلمد به درختانی با عمر هفتادسال برمی‌خوریم که حدود ۲۵۰۰۰ گردو محصول می‌دهند و در روستای مصعبی فردوس درختان نود ساله‌ای هستند که به‌طور استثنائی تا حدود ۱۰۰۰۰۰ گردو محصول می‌دهند.

گردو چینی و یآوری‌های آن

چیدن گردو همیاری بسیاری را می‌طلبد. گردو درخت تناوری است با میوه فراوان که برای «تکاندن» و چیدن محصول آن باید از ابزار و افراد حرفه‌ای کمک گرفت. معمولاً برای تکاندن سرشاخه‌ها و چیدن گردو از چوب بلند نسبتاً سختی استفاده می‌کنند. این چوب در مناطق مختلف خراسان با نام‌های متفاوتی (فریزی یا ya-کنک گزنده ge.zen.de) نامیده می‌شود. کار تکاندن درخت گردو را در فریزی یازدن (ya-ze.den)، در گیفان گولوندن (go. Londan) و در مصعبی جوزروی (Jows.ravi) می‌گویند. فرد واردی که برای تکاندن سرشاخه‌ها از درخت بالا می‌رود در فریزی روه (ro.va)، در کنگ ریو و (ri.vow) و در گیفان دولنه (dolna) نامیده می‌شود. روه

دستمزد خود را به صورت نقدی یا جنسی دریافت می‌کند (در سال ۱۳۷۴ مزد روزانه تا ۵ هزار تومان و یا ۱۰۰۰ عدد گردو می‌رسیده است). روز گردو چینی، فرزندان و نوادگان مالک و برخی از همسایه‌ها به کمک می‌آیند. به این افراد چینه‌گر (Cinegar) می‌گویند. کار این‌ها جمع کردن گردو از روی زمین و شمارش آن‌هاست. دستمزد روزانه هر یک از این افراد بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ گردو است. شام را نیز میهمان صاحب درخت هستند.

پس از پایان کار تکاندن گردو ابتدا حق روه را (اگر جنس باشد) جدا می‌کنند. سپس گردوها را برای شمارش کوت (kot) یا تل انبار می‌کنند. در گیفان برای شمارش همه شرکت می‌کنند ولی یک فرد مسن مسئول شمارش می‌شود. هر ده گردویی را که افراد جدا کنند او یک شماره می‌دهد شماره‌ها که به ۵۰ رسید یک‌دانه گردو در جیبش می‌گذارد و هرگاه شمار این گردوها به ۱۰ رسید یک گردو در جیب دیگر می‌گذارد و همین‌طور کار ادامه می‌یابد تا شمارش تمام شود. در برخی جاها از جمله در فریزی، بقمج و گلکان از زمانی که گردو را کیلویی می‌فروشد (قبلاً گردو را دانه‌ای می‌فروختند)، شمارش با سطل و یا گونی ۲۰ کیلویی انجام می‌شود (تغییر واحد فروش، تغییر در تکنیک شمارش را به وجود آورده است).

پوست کندن گردو

تعدادی گردوی زودرس قبل از گردوچینی پوستشان به چهاربر شکافته می‌شود و گردوشان به زمین می‌ریزد. به این گردو در گیفان گرمه (Ger.ma) و در کنگ لیقی (Liqi) می‌گویند. درصد کمی از کل گردوها به صورت گرمه و یا لیقی هستند. قسمت اعظم گردوها را باید پوست کنند. برای پوست کردن چند روزی روی گردوهای تل انبارشده را با گونی می‌پوشانند تا پوست بیرونی آن‌ها سیاه و نرم گردد. پوست کردن را

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۱۵

در برخی جاها لخ کردن (lax.kar.dan) و در گیفان کاک شکنی (ka.ke,se.ka.ni) می‌گویند. این کار با یاوری زنان خویشاوند و همسایه انجام می‌گیرد.

برای پوست‌کنی از دو سنگ نسبتاً بزرگ (زیر و رو) استفاده می‌کنند. سنگ رویی را بر پوست می‌کوبند تا پوست نرم از پوست سخت جدا شود. آب تراویده از پوست گردو دست را خیلی سیاه می‌کند و رنگی پایا دارد. در سال‌های اخیر برای جلوگیری از سیاهی دست، دستکش معمول شده است. گروه یاریگر به هنگام کار، برای رفع خستگی و یکنواختی با چای و قلیان پذیرایی می‌شوند. کار لخ کردن که تمام می‌شود گردوها را به پشت‌بام می‌برند تا چند روزی جلوی آفتاب خوب خشک شود. در پایان کار هر نفر تعدادی گردو به صورت دستخوش دریافت می‌کند. چنین معمول است که پس از گردآوری گردو بچه‌ها زیر درخت‌ها را می‌جویند و هر کس هر چه یافت مال خودش خواهد بود. به این کار در گیفان «په چینی» (pe.ci.ni) گویند.

در خرم‌آباد سبزوار به گردو چینی گوز سیلکیرک (goz.sil.ki.rak) می‌گویند. در اینجا تقسیم گردو شکل ویژه‌ای دارد. برخی از درختان شرکای بسیاری دارند. درخت با ۷ نفر شریک فراوان است. هنگامی که گردوها چیده شد، عاقل مردی از شرکا گردوها را به نسبت سهم شرکا تقسیم می‌کند؛ مثلاً به ۸ بخش. این شخص را سالار می‌نامند. آنگاه سالار بچه‌ای را انتخاب می‌کند. بچه پشت به کپه گردوها می‌ایستد. سالار دست بر یکی از کپه‌ها می‌نهد و از بچه می‌پرسد «از کی؟» (az.ki) و بچه نام یکی از شرکا را می‌برد و تا به آخر، همه به این‌گونه تقسیم راضی هستند.

مالکیت درخت گردو

مالکیت درخت گردو به دو گونه اصلی است: ۱- مالکیت خصوصی؛ ۲- مالکیت وقفی

۱- مالکیت خصوصی

مالکیت خصوصی، خود به دو زیربخش فردی و مشاع (mo.sa) تقسیم می‌شود. الف) مالکیت فردی می‌تواند با زمین باشد. یعنی زمین / باغ با درختان گردو از آن یک تن باشد؛ که در بسیاری از روستاها مانند بقمج، اخلمد، گلکمان و دولت‌آباد با آن روبرو هستیم. باغ‌هایی با گستره ۵ هزار مترمربع تا باغچه‌هایی به اندازه ۷۰ مترمربع [در بقمج] که همه‌کاره‌ای کاشت، داشت، برداشت را خود مالک به انجام می‌رساند و یا به نصفه‌کاری می‌دهد. مالکیت فردی گردو می‌تواند بدون زمین هم باشد. این گونه یکی از برجسته‌ترین نمودهای مالکیت گردوست که در سراسر خراسان و در بسیاری جاهای کشور و حتی خارج از ایران دیده می‌شود؛ مالکیتی مستقل و بدون زمین. کمتر درختی این ویژگی را دست‌کم، در خراسان داراست و این به دلیل «شخصیت» خاص گردوست. این درخت دارای «شخصیت» است. در روستاها آن را بسان یک انسان زنده می‌دانند و گاه مانند فریزی واژه مرگ را برای خشکیدنش به کار می‌برند. می‌گویند «درخت زنده است» و یا «درخت مرد»! شاید کهنسالگی، بارآوری دراز آهنگ و فزاینده، پایداری آن در برابر دشواری‌های طبیعی و بالاخره نقش آن در فرهنگ، چنین خصلت را به این درخت بخشیده است. شخصیت گردو تا آن اندازه نیرومند است که می‌تواند به تنهایی یک ملک باشد؛ دارایی بدون زمین. در حقیقت زمین بایر پای گردو در تملک خود درخت است، نه هیچ‌کس دیگر. شاید برای آنکه در زیر سایه آن کمتر گیاهی می‌تواند تاب بیاورد و درختانی که گرداگرد آن کاشته شوند، برای گریز از سایه سنگین آن خود را به سویی می‌خمانند و کج می‌شوند و اگر چنین نکنند، خواهند خشکید. حتی آدم‌ها اگر در شب زیر درخت بزرگ گردو بخوابند به علت کمبود اکسیژن مسموم می‌شوند و یا می‌میرند.

تا هنگامی که درخت گردو زنده است صاحب درخت در صورتی که مالک زمین نباشد در زمین باغی که درخت در آن روییده حقی دارد، اما همین که درخت مرد،

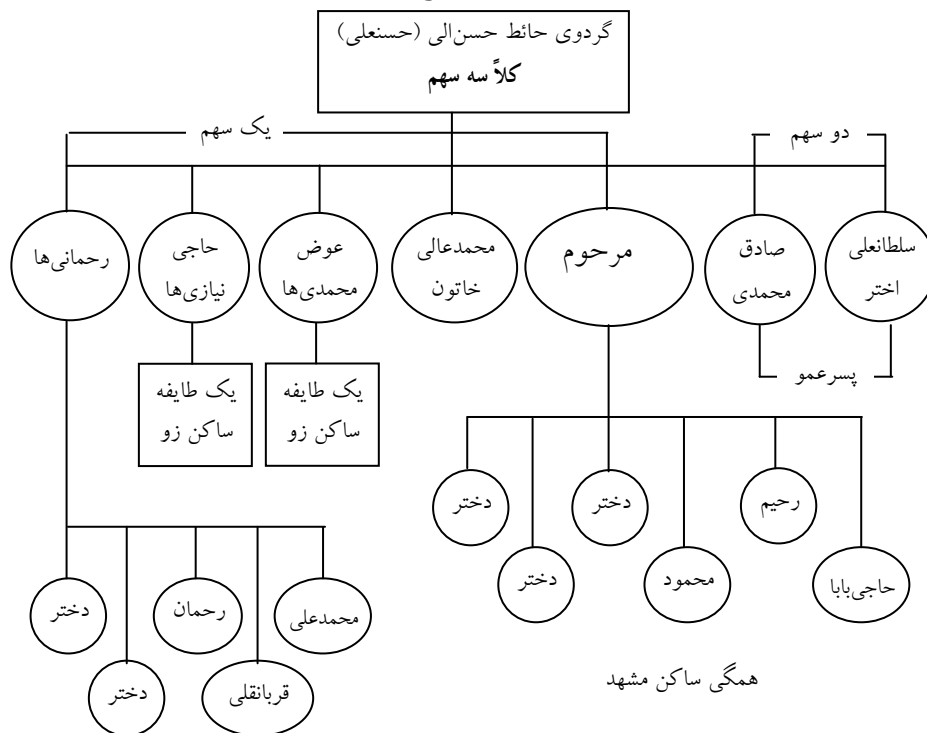
صاحب درخت دیگر هیچ حقی در زمین باغ نخواهد داشت؛ مگر این که زمین و درخت از آن یک نفر باشد. این مسئله از نظر درک مفاهیم مالکیت بی نهایت مهم است. این که مالکیت زمین از مالکیت درخت جدا باشد، مسئله ای تازه و جدید نیست. در زمان پیامبر (ص) شخصی به نام سمره بن جندب منزلی را فروخته بود؛ ولی درخت خرما می در آن منزل را برای خود نگه داشته بود و هر روز سرزده وارد آن خانه می شد و برای صاحبش مزاحمت ایجاد می کرد. مالک جدید شکایت به حضرت رسول (ص) برد. حضرت فرمودند: صاحب خانه آن درخت را برکند و جلوی فروشنده بیندازد. این امر موجب قاعده و قانونی در اسلام شده است به نام «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» که در کتاب مکاسب مرحوم شیخ انصاری به تفصیل بحث شده است. آنچه در این مقاله برای ما مهم است، این است که در صدر اسلام هم امکان جدایی مالکیت درخت از زمین معمول بوده است.

در بخش هایی از اروپا، به ویژه یونان و ایتالیا و در بخشی از آسیای صغیر (ترکیه) درخت زیتون همین ویژگی را دارد. به نظر می رسد در هر مکان درخت غالب، درختی است که غذای عمده مردم یک ناحیه را تأمین می کند و ریشه در سنت ها و فرهنگ و آداب و رسوم و عقاید و اقتصاد منطقه در طول هزاران سال دارد. به همین علت به ویژگی های خاصی نیز دست یافته است. از آن جمله مالکیت مجزا از زمین، و شخصیتی مجزا از سایر گیاهان و در حقیقت نیمه انسانی، نیمه گیاهی. خرما در مناطق گرمسیر و زیتون در نواحی مدیترانه ای و گردو در کوهپایه ها و دره های کوهستانی به این ویژگی ها دست یافته اند. به احتمال زیاد درختان دیگری در سایر نقاط دنیا به همین وضع هستند. این مفهوم مالکیت، کمک ویژه ای است برای ایجاد تحول در زندگی برخی گروه های انسانی.

مثلاً در زندگی عشایری مالکیت دام مالکیتی شخصی و خصوصی و معمولاً غیر مشاع است؛ در صورتی که مالکیت مرتع می تواند به صورت مشاع، اشتراکی و یا کلاً از آن دیگری باشد؛ یعنی مالکیت مجزای دام و زمین از یکدیگر. حال در موقعی که

عشایر بخواهند یکجانشین شوند و کشاورزی پیشه کنند، درک این شیوه مالکیت (مالکیت مجزای دو عامل تولید یعنی درخت و زمین) برای آن‌ها کاری ساده است؛ چون قبلاً با این مفهوم یعنی جدایی مالکیت دام و مرتع آشنا بوده‌اند. در مناطقی از بختیاری و کهگیلویه که عشایر به‌تازگی اسکان‌یافته‌اند مالکیت مجزای گردو و زمین رواج دارد (ایجاد ساختمان در زمین‌های وقفی توسط مستاجرین نیز از همین مقوله است؛ مثلاً زمین اکثر ساختمان‌های مشهد متعلق به آستان قدس رضوی است، در صورتی که ساختمان متعلق به افراد است؛ جدایی مالکیت عرصه با اعیان).

نمونه‌هایی از مالکیت مشاع درخت گردو



گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۱۹

زمینی که این درخت گردو در آن قرار دارد متعلق به محمدعلی صادق است که $\frac{1}{17}$ گردو را پس از کسر حق گلوندن و حق نگهداری به عنوان حق مالکیت زمین (eb.ra) می‌گیرد. خود درخت گردو متعلق است به دو طایفه (عوض محمدی‌ها و حاجی نیازی‌ها) و چهارده نفر دیگر. این درخت گردو کلاً سه سهم است. دو سهم آن متعلق به دو پسرعمو؛ آقایان سلطانعلی اختر و صادق محمدی و یک سهم آن متعلق به دوازده نفر و دو طایفه است. هرساله یک نفر از طرف عوض محمدی‌ها و یک نفر از طرف حاجی نیازی‌ها برای گرفتن سهمشان مراجعه می‌کنند. نگهداری درخت به عهده آقای محمدعلی صادق صاحب زمین است که طبق شرحی که در پی می‌آید حق مالکیت زمین و حق نگهداری درخت را دریافت می‌کند.

طریقه سهم‌بری در گیفان

فرض بگیریم درختی دارای هزار عدد گردو باشد. ابتدا $\frac{1}{10}$ یعنی صد عدد حق گلوندن یا تکاندن یا چیدن گردوست.

$\frac{1}{10}$ بقیه یعنی $\frac{9}{10}$ از نهصد گردو یا نود عدد حق کسی است که گردو را نگه داشته است و $\frac{1}{10}$ بقیه یعنی ۸۱ گردو ($729 = \frac{1}{10} - 810 = \frac{1}{10} - 900 = \frac{1}{10} - 1000$) حق صاحب زمین یا ابره است. از ۷۲۹ گردوی باقی‌مانده سهم شرکا محاسبه و داده می‌شود. در ۱۴ روستای منطقه گیفان سهم‌بری از گردو به همین نحو است. در سال ۱۳۷۳ سهم سلطانعلی اختر از درخت گردوی حیاط حسنعلی؛ یعنی یک سهم از سه سهم پس از کسر حقوقات (ابره، گلوندنی و نگهداری) ۱۵۳۲ عدد بوده است. در حقیقت این درخت در این سال بیش از ۶۳۰۰ عدد گردو داشته است. در همین سال سهم برخی از دخترهای طایفه حاجی نیازی‌ها و عوض محمدی‌ها از این درخت فقط پنج عدد گردو بوده است. یعنی چیزی حدود $\frac{1}{126}$ محصول ناخالص و یا $\frac{1}{919}$ محصول پس از کسر حقوقات.

نمونه دیگر:

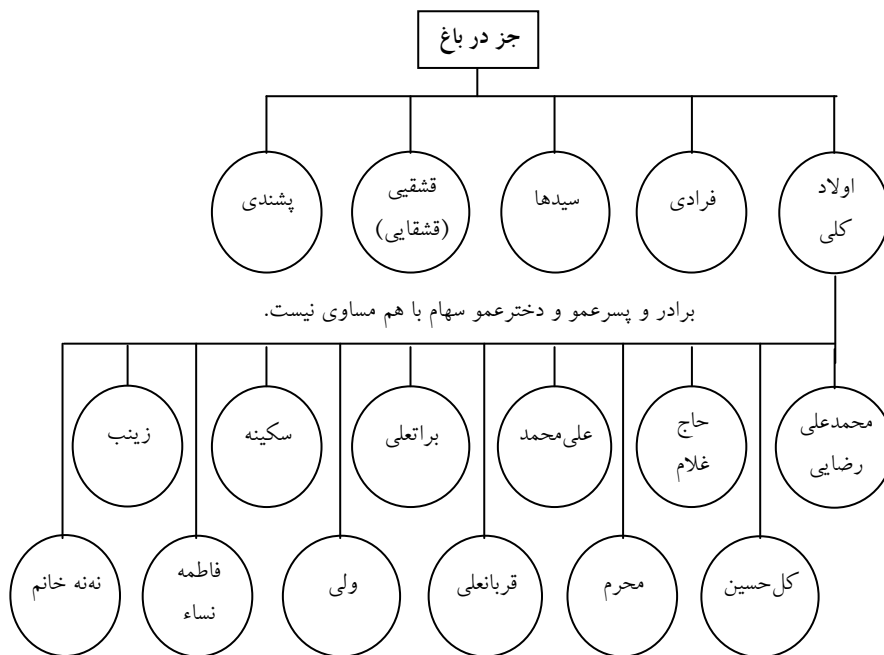
در روستای گیفان آقای محمدعلی رضایی ۵۳ ساله (سال ۱۳۷۴) کلاً ده درخت گردو دارد که ۷ درخت آن شریکی است.

سه درخت دره میرزا کل (جز جونکلاغ، جز جوز خونه، جز باغ غلامعلی). سه درخت مال پدربزرگشان بوده است، نصف آن به مادر محمدعلی رضایی ارث رسیده و نصف سه درخت به خاله‌اش. مادر محمدعلی فوت شده است. محمدعلی دو برادر دارد و یک خواهر؛ پس سهم مادر آن‌ها ($\frac{1}{2}$ گردوها) به هفت سهم تقسیم شده است. محمدعلی دو سهم از ۷ سهم از $\frac{1}{3}$ سهم یعنی دو سهم از چهار سهم و یا $\frac{1}{3}$ گردو را دارد. زمین این گردوها متعلق به شخص دیگری است.

سه درخت در حیاط کینه قلعه (کهنه قلعه) جزبزرگ، جزکلویی، جزآنه محمدتقی. این سه درخت از پدرش به ارث رسیده است. سهم محمدعلی دو سهم از هفت سهم بوده است، او سهام برادرانش (هر نفر دو سهم کلاً چهار سهم) را خریده است. یک سهم متعلق به خواهرش بوده است. خواهر او که فوت شده صاحب دو پسر و دو دختر بوده است. بچه‌های خواهرش سهم خود را دریافت می‌کنند. یعنی پسرها دو سهم از $\frac{1}{6}$ سهم از $\frac{1}{7}$ (یعنی $\frac{1}{21}$ محصول) و دخترها یک سهم از $\frac{1}{6}$ سهم از $\frac{1}{7}$ یعنی $\frac{1}{42}$ محصول را پس از کسر حقوقات دریافت می‌کنند.

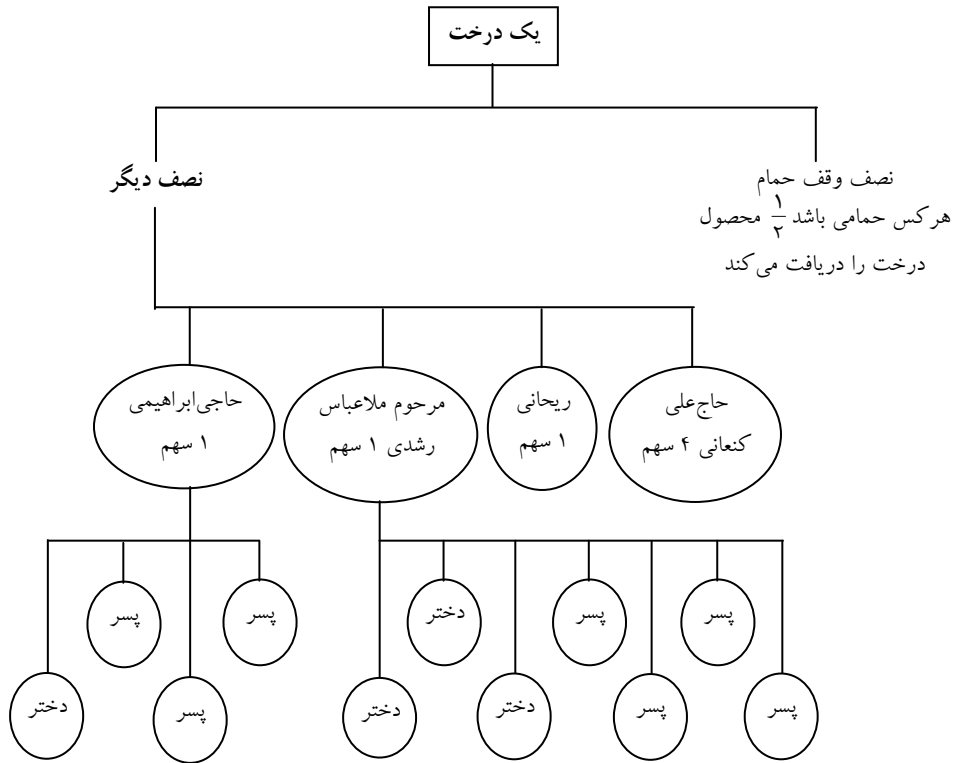
جز در باغ این گردو حدود ۴۰ سال عمر دارد (سال ۱۳۷۳).

جز در باغ



این درخت به پنج سهم تقسیم می‌شود. یکی از سهام مربوط به اولاد کلی به دوازده نفر از ورثه او می‌رسد. محمدعلی یکی از وراث است و سهم فرد را از درخت می‌گیرد.

نمونه دیگر:



روستای مصعبی فردوس

بدین ترتیب هر یک از پسران ملاعباس رشدی دو سهم از یازده سهم از یک سهم از پنج سهم از دو سهم یعنی $\frac{2}{11}$ یا $\frac{1}{55}$ محصول را مالک هستند و هر یک از دخترهای مرحوم رشیدی یک سهم از یازده سهم از یک سهم از پنج سهم از دو سهم یعنی $\frac{1}{11}$ محصول را می‌برند (هر یک از دخترها $\frac{1}{11} \times \frac{1}{2} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{110}$ و هر یک از پسرها $\frac{1}{55}$

$$\left(\frac{2}{11} \frac{2}{11}\right) = \frac{1}{2} \times \frac{1}{5} \times$$

یک نمونه دیگر:

روستای گل‌مکان

گردوی خاله‌خانم: خاله‌خانم در سال ۱۳۵۷ فوت شده است. او فقط صاحب یک اصله درخت گردوی بزرگ بوده است که زمین آن متعلق به دیگری است. خاله‌خانم چهار پسر و سه دختر داشته است.

سه‌م هر یک از دختران خاله‌خانم $\frac{1}{11}$ و سه‌م هر یک از پسران $\frac{2}{11}$ محصول گردوست. گردویی که زمین آن متعلق به آنها نیست. در سال ۱۳۷۳ این درخت ۶۰۰۰۰ تومان درآمد خالص داشته است.

در روئین اسفراین درخت‌هایی هستند که پانزده تا بیست نفر در آنها شریک هستند. عمر دراز درخت گردو و مسئله مالکیت مشاعی آن باعث شده است که گاه واسطه‌العقد افراد یک خاندان باشد. در حقیقت درخت گردو شجره‌النسب خاندان شده است. افراد زیادی که گاه به بیش از صد نفر می‌رسند و همه از نوادگان یک نیای مشترک هستند و گاه در روستاها و شهرهای مختلف ساکن هستند و همدیگر را هم نمی‌شناسند در یک درخت مشترک‌اند. این اشتراک موجب آشنایی آنها با یکدیگر است و یا لاقل کسی که نگهبان درخت است همه را می‌شناسد و اسامی همه و سهم‌الشرکه آنان را دارد. در برخی روستاها در روز تقسیم محصول از طرف نگهبان درخت همه شرکا به ناهار دعوت می‌شوند (معمولاً آش که مخارجش از محصول کسر می‌شود).

پس از صرف ناهار، محصول را بر مبنای سهم‌الشرکه تقسیم می‌کنند. این امر باعث می‌شود که افراد خاندان لاقل در سال یک‌بار یکدیگر را ببینند. گاه اتفاق می‌افتد که در درختی خانواده‌های مختلف که اصولاً با هم نسبتی هم ندارند شریک باشند. چون ممکن است پدران آنها که در درخت شریک بوده‌اند با هم نسبتی نداشته‌اند (اتفاق می‌افتد که کسی سهم خود را به غریبه بفروشد). این مراسم موجب نزدیکی

خانواده‌ها و رفع کدورت‌های احتمالی می‌گردد. حتی در برخی روستاها ضرب‌المثلی پیداشده است که برای افرادی که با هم نسبتی ندارند و یا نسبت بسیار دوری با هم دارند بگویند فلان کس با فلان کس در گردو با هم مشترک هستند (معادل قوم خویش دسته‌دیزی و یا گربه‌هاشان روی بام هم را دیده است).

مالکیت زمین

مالک زمین اگر صاحب درخت گردو نباشد، به هنگام فروش تنها می‌تواند زمین خود را بفروشد. درخت از آن صاحب یا صاحبان درخت است. خریدار زمین تنها $\frac{1}{10}$ محصول گردو (پس از کسر حق گلودن و حق نگهداری) دریافت می‌کند. در سند درخت تنها می‌نویسند «فلان درخت گردو به فلان شخص فروخته شد»، بدون نام بردن از هیچ زمینی. در حقیقت هر درخت گردو باید اسمی و مشخصاتی داشته باشد تا شناسایی شود. ممکن است این سؤال پیش آید که چرا عده‌ای زمین را که درخت آن متعلق به دیگری است خرید و فروش می‌کنند؟ این سؤال مهمی است. باید توجه داشت که ارزش برخی زمین‌ها؛ به خصوص زمین‌هایی که روی شیب دامنه‌هاست (که آبیگری آن کار مشکلی است) و اگر درخت گردو در آن نباشد کشت‌های دیگر بر روی آن مقرون به صرفه نیست، ارزش آن فقط به علت وجود همان درخت گردوست.

در حقیقت خریدار زمین را به آن نیت می‌خرد که از $\frac{1}{10}$ محصول گردو استفاده کند. معمولاً افراد یک خانواده که در یک درخت شریک هستند سهام خود را در داخل فامیل خرید و فروش می‌کنند و حاضر نیستند سهم گردوی خود را به غیر بفروشند. حال اگر شخصی که از این فامیل نیست بخواهد در درخت گردوی بارور شریک باشد، کل زمین درخت گردو یا سهمی از آن را می‌خرد. باید توجه داشت همان‌طور که درخت گردو بر اثر ارث مشاعی می‌شود، زمین درخت گردو هم بر اثر ارث مشاعی می‌گردد. مثلاً در روستای خرو علیا شخصی $\frac{1}{4}$ از $\frac{1}{7}$ از $\frac{1}{11}$ (یعنی $\frac{1}{30.8}$) زمینی را که فقط چهار

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۲۵

درخت گردو در آن قرار دارد شریک است. از $\frac{1}{10}$ محصول این درخت $\frac{1}{3.8}$ به او می‌رسد (یعنی $\frac{1}{3.8}$ گردو). در عمل باید گفت برای این اشخاص گردو و زمین گردو فقط بهانه‌ای است برای وابستگی خانوادگی و اتحاد و همبستگی.

اگر با دید دیگری به قضیه نگاه کنیم درخت گردو مانع تقسیم و تکه‌تکه شدن زمین می‌شود. معمولاً ارث باعث قطعه‌قطعه شدن زمین می‌گردد. وقتی درخت یا درختان گردو در زمینی قرار دارد، در عمل آن زمین، یکپارچه باقی می‌ماند و فقط محصول (گردو) است که تقسیم می‌شود. مثلاً شخصی که $\frac{1}{11}$ یا $\frac{1}{3.8}$ قطعه زمینی را به ارث برده است، اگر درخت گردو در آن زمین نبود، احتمال آن‌که زمین را تقسیم کنند و قطعه کوچکی را او تصاحب کند وجود داشت، اما وقتی درخت گردو در زمین واقع است، تقسیم زمین مفهومی ندارد. شاید این خود تجربه‌ای باشد برای یافتن یکی از ده‌ها راه یکپارچه‌سازی اراضی؛ ایجاد باغ‌ها آن‌هم باغ‌هایی دارای درختانی که از عمر طولانی برخوردار هستند برای جلوگیری از تقسیم زمین. در حقیقت تقسیم محصول در مقابل سهم زمین، انتخاب «نگهبان» برای نگهبانی گردو (تک‌درخت یا باغ گردو) که گاه فردی غریبه است و جزء شرکا نیست در حقیقت انتخاب مدیر است به روش سنتی برای یک امر تولیدی.

مالکیت چوب درخت

معمول این است که صاحب زمین هیچ حقی در چوب درخت گردو ندارد. یعنی اگر مالک یا مالکان گردو بخواهند درخت خود را قطع کنند و یا وقتی درخت خشک شد بخواهند چوب آن را بفروشند صاحب زمین حقی از چوب ندارد. اگر از درخت گردوی در حال خشک شدن یا خشک‌شده و یا پس از قطع درخت پاجوشی سبز شود و خود نهالی گردد و یا گردویی به زمین افتد و سبز شود باز هم حکم همان درخت گردوی قبلی را دارد و رابطه مالک و یا مالکان گردو با مالک و یا مالکان زمین همان رابطه قبلی $\frac{1}{10}$ محصول خواهد بود.

مالکیت وقفی

بسیاری از روستاییان حتی آن‌هایی که توان مالی چندانی ندارند تعدادی درخت یا یک درخت یا دانگی و سهمی از یک درخت را به عناوین گوناگون وقف می‌کنند. این وقف بیشتر شامل درخت‌های دیمی که در شیب دامنه‌ها کاشته شده یا خودرو هستند، می‌شود. مورد وقف ممکن است مربوط به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) یا یکی دیگر از امامان، امامزاده‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و بنیادهای همگانی روستا باشد. در برخی از روستاهای فردوس محصول گردوی وقفی را همه‌ساله در روزهای سوگواری ماه محرم میان عزاداران یا دسته‌های سینه‌زنی و یا در شب‌های قدر ماه مبارک رمضان میان شرکت‌کنندگان در دوره‌های قرآن و یا حاضران در مجلس روضه‌خوانی به‌طور مساوی بین زن و مرد و خرد و کلان تقسیم می‌کنند.

در برخی روستاها مثل دولت‌آباد شهرستان چناران درختانی وقف افطار روز ۲۱ ماه رمضان بوده است. متولی درآمد به‌دست‌آمده را به این کار اختصاص می‌داده است. در این روستا در سال ۱۳۷۴ به ازای هر درخت بارور پنج هزار تومان بدین منظور در نظر گرفته شده است. در روستای فریزی واقع در دامنه‌های شمالی بینالود تعداد نسبتاً زیادی گردوی وقفی وجود دارد که درآمد آن‌ها زیر نظر اداره اوقاف مشهد خرج می‌شود. در این روستا معمول بر این بوده است که هر کس گردو می‌کاشته از هر ده درخت دو درخت (۱/۵) را وقف می‌کرده است. در سال ۱۳۷۴ شورای اسلامی روستای فریزی وظیفه متولی‌گری را عهده داشته است.

در این روستا پیش از انقلاب اسلامی معمول بر این بوده که گردوهای وقفی را به کسی که زمین نداشت به اجاره می‌دادند تا داشت و برداشت به عهده او باشد و سهمی را هم برابر قرارداد یک‌ساله و گاه بیست‌ساله به وی می‌دادند. در روستای فریزی قراردادهای درازمدت نودساله نیز بسته می‌شد. سهم وقف نیز سالانه به متولی پرداخت می‌شد، تا در موارد تعیین شده در وقف، صرف و خرج نماید. اما پس از انقلاب اداره

اوقاف بنا بر «لایحه قانونی اردیبهشت ۱۳۵۸ مبنی بر تجدید قرارداد، اجاره املاک و اموال موقوفه و تجدید انتخاب متولیان و امانا و نظار اماکن متبرکه مذهبی و مساجد» که به تصویب شورای انقلاب رسیده بود، کارها را به دست گرفت. باین‌همه هنوز هم گونه‌هایی از وقف وجود دارد که اداره اوقاف دخالت چندانی در آنها نمی‌کند. در وقف گردو هم دو گونه مالکیت به چشم می‌خورد. مالکیت با زمین که چندان شایع نیست. مالکیت وقفی بدون زمین که فراگیرتر از شیوه اولی است.

نمونه‌هایی از وقف در روستای فریزی

وقف کلی (احمد بن سلمان، ۱۳۵۸): امامزاده فریزی؛ برابر اسناد اداره اوقاف خراسان، بیشتر درختان گردوی وقفی در خراسان در سه ناحیه اخلمد، فریزی و پیوه‌ژن (pi.ve.Jan) انبوه شده‌اند. یک نمونه از وقف کلی گردو را در فریزی می‌توان دید. موقوفه‌های امامزاده فریزی که اداره اوقاف بر آنها نظارت می‌کند عبارت‌اند از: چهارصد درخت گردوی روستای پایه در شش‌دره که در هر یک ریزابه‌ای روان است، قرار دارند (دره هفتمی از آن مزار روستای پایه است)؛ بنابراین $\frac{6}{7}$ گردوی روستای پایه وقف امامزاده فریزی است. علاوه بر این، امامزاده صاحب سیصد درخت دیگر در خود روستای فریزی است. بر روی هم امامزاده هفتصد درخت گردوی وقفی دارد که خود آنها بر دو گونه‌اند:

گردوهای دیم که بیشتر سوزنی و در کوهپایه‌ها و دامنه‌ها پراکنده‌اند، بیشتر درختان کهنسالی هستند.

گردوهای آبی که جنس بسیار خوبی دارند و در باغ‌ها کاشته شده‌اند.

شیوه برداشت گردو با نظارت اداره اوقاف

در نخستین سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به هنگام فصل گردو چینی، کارشناسی از سوی اداره اوقاف به روستا می‌آمد. ریش سفید ده که گاه خود سرپرست

شورای اسلامی نیز بود، نماینده را می‌پذیرفت. همراه چند نفر خبره درختان را سرشماری می‌کردند و صورتجلسه می‌شد. در همان سال‌ها از طرف اداره اوقاف برای هزینه‌های امامزاده سالانه صد هزار تومان به ریش سفید ده داده می‌شد و در برابر برای مخارج امامزاده از او سیاهه و فاکتور می‌خواستند. در حال حاضر (۱۳۷۴) یک نفر معتمد بومی که اداره اوقاف هم او را پذیرفته از درختان سرشماری می‌کند. این فرد با مأموری از دادگستری و دو نفر از اوقاف و بزرگان ده نشستی در مسجد تشکیل می‌دهد تا کار «مزایده گردوی وقف» را به انجام برسانند. این مزایده ده تا پانزده روز پیش‌ازین نشست اعلام می‌شود. شرکت در این مزایده همگانی است که شمار شرکت‌کنندگان در آن از روستای فریزی و پایه به دویست نفر می‌رسد.

بر پایه سیاهه‌برداری کارشناس و بهایی که ریش سفید تعیین می‌کند، قیمت پایه اعلام می‌گردد. مثلاً می‌گویند گردوی فلان جا دانه‌ای ۴۰/۳۰ ریال می‌ارزد که این خود بر پایه مرغوبیت گردوست. گاه درخت گردویی هزار دانه‌اش سه کیلو مغز می‌دهد و در بهترین نوع هزار دانه، ده کیلو هم مغز داشته است. صورتجلسه‌ای تنظیم و برنده مزایده به اداره اوقاف معرفی می‌شود. اداره اوقاف شرایط دریافت وجه (نقدی، چک یا سفته و غیره) را برای برنده مزایده مشخص و اداره اوقاف وجه را به حساب متولی امامزاده واریز می‌کند. متولی طبق ضوابط وجه را خرج مورد وقف (در این روستا) امامزاده می‌کند. در مزایده هم گونه‌ای همیاری وجود دارد. رسم بر این است که یک نفر خود به تنهایی در مزایده شرکت نکند، بلکه فرد نماینده یک خاندان یا طایفه یا یک گروه است. در حقیقت عده‌ای شریک هستند که گاه تعدادشان به سی تا چهل نفر می‌رسد. این شرکت بر پایه خویشاوندی و اعتماد به یکدیگر است. البته طرف قرارداد یا اداره اوقاف یک نفر است. فرد برنده با شرکایش به‌طور دسته‌جمعی برای گردو چینی از درخت‌های وقفی امامزاده فریزی اقدام می‌کنند.

وقف حسینیہ فریزی: حسینیہ فریزی صاحب حدود یکصد درخت گردوی آبی است. این گردوها کلاً در داخل روستا و یا باغ‌ها قرار دارند. باردهی این درخت‌ها از

درخت‌های دیمی امامزاده بیشتر است. به‌علاوه درخت‌های داخل و باغ‌ها کمتر از درخت‌های دیمی روی دامنه‌ها دچار سرمازدگی می‌شوند. از درآمد گردوهای وقفی حسینیه در سال‌های اخیر کارهای زیر انجام شده است: خرید و فروش، موتور برق، تعمیر ساختمان، ساخت آشپزخانه و دستشویی و توالی و خرید زمین‌های اطراف برای گسترش حسینیه.

وقف گرمابه: تعدادی درخت گردو وقف حمام فریزی است که معمولاً آن‌ها را پنج تا ده‌ساله اجاره می‌دهند. درآمد سالیانه، خرج گرمابه روستا می‌شود. در سال ۱۳۷۴ حمامی ماهی هفت هزار تومان از درآمد گردوها حقوق می‌گرفته است.

وقف راه: پیش می‌آید که درختی که شاخه‌هایش از باغ بیرون می‌آید و بر راهی که در آن آمدو شد می‌کنند سایه می‌افکند. در این صورت مالک یک درخت کامل یا دانگی از درخت را وقف خوردن عابران می‌کند. البته وقف بدین شرط است که خوردن حلال و بردن حرام.

گردو به‌عنوان مهریه و هدیه به عروس و داماد

به‌جز شیوه خرید و فروش گردو (با زمین یا بدون زمین) و وقف، روش‌های دیگری هم برای انتقال مالکیت گردو وجود دارد که مهم‌ترین آن در مراسم عروسی است.

مهریه

در روستاهایی مانند گلمکان و اخلمد مهریه بیشتر عروس‌ها درخت گردو، باغ و یا زمین تعیین می‌شود. معمولاً وقتی مهریه زن پول و یا طلا تعیین می‌شود فقط در زمان طلاق است که زن می‌تواند مطالبه مهریه خود را بکند؛ اما در مورد درخت گردو از همان لحظه عقد درخت جزو دارایی عروس محسوب می‌شود و او می‌تواند سهم

محصول خود را برداشت یا دریافت کند. در برخی روستاها مثل اخلمد دامنه میزان مهریه از سهمی از یک درخت گردو تا سی درخت کامل است.

شودزدی (*sow- doz-di*)

در روستای فریزی دو سه شب پس از رفتن عروس به خانه بخت به دعوت پدر عروس (خوسور *XO.SOR*) عروس و داماد به خانه وی می‌آیند. در پایان شب که عروس و داماد آهنگ بازگشت دارند، پدر عروس می‌گوید فلان درخت گردو یا کندوی عسل را به دخترم بخشیدم. در این باره نوشته‌ای ردوبدل نمی‌شود. ممکن است درخت گردو به‌طور کامل هدیه نشود، بلکه سهمی از یک درخت هدیه شود و یا ممکن است یک درخت و سهمی از یک درخت دیگر هدیه شود. مثلاً در همین روستا مردی که ۵ دختر دارد به دختر اولش درخت جوان ده‌پانزده ساله و سهمی از یک درخت تناور را هدیه کرده است. زمین در مالکیت پدر این دختر باقیمانده است. این پدر در درخت دوم شریک بوده است که سهم خود را به دخترش بخشیده است. شریک او نیز سهم خود را به دخترش داده است و حالا (۱۳۷۴) این دو زن در این درخت سهیم هستند.

سرپای (*sar. pay*) یا پانداز (*pa.an.daz*)

در گیفان شبی که عروس را به خانه بخت می‌آورند، پیش از ورود به خانه، پدر داماد پانداز می‌دهد. این پانداز ممکن است یک درخت یا سهمی از یک درخت گردو باشد.

بخشش به داماد

به‌طور مثال در روستای جلمبادان، هنگامی که داماد را از گرمابه به خانه بازمی‌گردانند، در جلو خانه تا پدر یا مادرش چیزی را به او هدیه نکنند از اسب پیاده

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۳۱

نمی‌شود. این هدیه می‌تواند درخت گردو یا سهمی از یک درخت باشد. در اینجا نوشته‌ای هم به همین منظور به داماد داده می‌شود.

پاگشا (pa. go.sa)

در روستای مهوید، مصعبی، امرودکان و کریموی فردوس، درخت گردو را به چهار بخش (چهار شاخ) و یا شش‌دانگ تقسیم می‌کنند. پدر و مادر پسر در اولین دعوتی که از عروس و داماد پس از رفتن به خانه‌شان می‌کنند، هدیه پاگشا می‌دهند. این هدیه می‌تواند یک درخت کامل یا بخشی یا دانگی از یک درخت باشد.

ارث

در اکثریت قریب به اتفاق روستاها درخت گردو برابر قوانین اسلامی بین وارثان تقسیم می‌شود. پسر دو سهم و دختر یک سهم و زن یک‌هشتم سهم. مواردی در برخی روستاها دیده شده است که سهم دختر و پسر از درخت گردو با هم مساوی است.

نصفه کاری

در مالکیت خصوصی و یا وقفی درخت یا درختان و یا باغ گردو را به کسی واگذار می‌کنند که تمام کارها (کوددهی، آبیاری، نگهداری، چیدن و غیره) را انجام دهد. پیمانی پنج تا بیست‌ساله میان موجر و مستأجر بسته می‌شود. معمولاً بر مبنای این پیمان محصول گردوها نصف می‌شود. پس از پایان پیمان افراد خبره میزان این حق را معین می‌کنند تا به مستأجر پرداخت شود.

حقوق عرفی همسایگان

اگر شاخه‌های درختی از زمین به باغ یا خانه یا بام همسایه گسترده شود، حقی برای همسایه در چیدن گردو ایجاد می‌شود. سهم این حق مشخص نیست. اگر رابطه دو همسایه خوب نباشد صاحب گردو مجبور می‌شود با قطع شاخه‌های درخت رفع مزاحمت کند.

کاربرد اجزای گردو

کاربرد پوست سبز گردو (گیفان؛ پوکله *pok.le* فردوس؛ پوستله *pustele*)

رنگرزی: پوست سبز گردو که آبدار است رنگی پایا دارد و در رنگرزی به‌ویژه برای رنگ کردن نخ قالی به کار می‌رود. پوست خشک‌شده را ابتدا آسیا می‌کنند و سپس طی مراحلی از آن رنگی شکلاتی یا زیتونی متمایل به قهوه‌ای به رنگ گردویی یا جوزی تهیه می‌کنند. تهیه رنگ از پوست گردو از زمان‌های کهن و تقریباً در سراسر ایران شناخته‌شده بوده است. تجار مشهدی در سال ۱۳۷۴ هر کیلو پوست خشک‌شده گردو را ۶ تومان می‌خریده‌اند.

در برخی روستاها از جمله فریزی، از پوست گردو به‌عنوان کودسبز استفاده می‌شود.

برگ گردو

کود سبز: از برگ گردو به‌عنوان کود سبز استفاده می‌شود.

خوراک دام: برگ خشک‌شده گردو را با کاه مخلوط می‌کنند و به دام می‌خورانند. درمان‌های سنتی: برگ گردو به‌عنوان داروی سنتی به کار می‌رود. کسانی را که کوفتگی بدن داشته باشند در تشکی پوشیده از برگ گردو می‌خوابانند و لحاف را بر رویشان می‌کشند تا بدنشان نرم شود. روستاییان برگ گردو را به‌اصطلاح «گرم» می‌دانند.

برگ گردو در داروسازی به کار می‌رود.

چوب گردو

چوب انواع گردو؛ به‌ویژه گردوی پرسیا (فارسی، ایرانی) از زیبایی و ارزش خاصی برخوردار است. «رنگ این چوب از قهوه‌ای روشن تا شکلاتی متفاوت است که

بیشتر در ساختن اثاثیه منزل و دکور دفاتر و ادارات به کار می‌رود. از چوب گردو در ساختن بدنه رادیو، تلویزیون، قنداق تفنگ، پیانو و تابوت استفاده می‌شود. به مقدار محدود در راه‌آهن، نرده، تیرهای چوبی و سوخت هم به کار می‌رود» (Encyclopedia Americana, vol.28). در دهه‌های اخیر پوست درخت گردو به صورت لایه‌های نازک (کمتر از یک میلی‌متر) درمی‌آید تا برای روکشی کارهای چوبی به کار رود. یعنی این چوب هم در کارهای سخت و هم برای کارهای چوبی زیبا کاربرد دارد. از چوب درخت گردو در کارهای هنری؛ به‌ویژه در مجسمه‌سازی استفاده می‌شود.

چوب میوه گردو

سوخت: چوب میوه گردو که پس از شکستن و مغز کردن آن به دست می‌آید، معمولاً برای سوخت به کار می‌رود.

هنر: در برخی از کشورها، به‌ویژه چین کارهای ظریفی بر روی میوه گردو انجام می‌دهند. یکی از آن کارها کنده‌کاری است. نگارنده^۱ در بهار ۱۳۷۴ در هتل لاله تهران گردویی را به مبلغ سی هزار ریال خریداری کردم که بر روی آن ۱۸ آدمک (صورت و هیکل) توسط هنرمندان چینی کنده‌کاری شده است. در روی هر نیمکره ۹ آدمک. به‌علاوه در این زمینه باظرافتی خاص کنده‌کاری‌هایی به صورت برگ درخت و ستون انجام شده است.

مغز گردو

تهیه مغز گردو یکی از اهداف اصلی کاشت گردوست.

خوراک: مغز گردو کاربردهای خوراکی مختلفی به صورت خام و پخته، تنها و آمیخته با سایر غذاها را دارد. تهیه فهرست انواع غذاهای تهیه‌شده با گردو از حوصله

۱- دکتر محمدحسین پاپلی یزدی

این مقاله خارج است. گردو به علت فسفوری که دارد همراه با پنیر خورده می‌شود. در کشورهای اروپایی؛ به‌ویژه فرانسه کارخانه‌های پنیرسازی، پنیرهای مخلوط با گردو را به بازار عرضه می‌کنند. در برخی از کشورها، به‌ویژه آلمان نان‌هایی که گردو در خمیر آن‌ها مخلوط شده است تهیه می‌شود. در برخی روستاهای خراسان نیز مغز گردو را می‌سایند و سپس با خمیر برای تهیه نان به‌خصوص برای تهیه فطیر افطار ماه رمضان مخلوط می‌کنند. میوه گردو در بستنی‌سازی، شکلات و کیک هم کاربرد دارد (*Ibid*). غذاهای مختلفی با گردو تهیه می‌شود که مشهورترین غذای ایرانی فسنجان است. مغز گردو در تهیه انواع شیرینی کاربرد دارد. جوزقندها و انواع رنگینک‌ها (گردوی ساییده شده داخل خرما) در اکثر نقاط ایران شناخته شده‌اند.

روغن: از مغز گردو روغن تهیه می‌شود که هم به‌صورت خوراکی و هم به‌صورت داروهای سنتی به کار می‌رود. روغن گردو در کارهای صنعتی و هنری نیز کاربرد دارد.

داروی سنتی: در بسیاری از روستاها مثل فریزی مغز گردو را می‌سوزانند و سوخته‌اش را برای بهبود دردها؛ به‌ویژه پادرد به کار می‌برند. در برخی روستاها مثل گیفان روغن گردو را برای چرب کردن زخم‌ها مثلاً برای بهبود محل ختنه به کار می‌برند.

آفت‌های گردو

گردو از درخت‌های کم‌آفت است و در برابر بیماری‌های گیاهی از خود پایداری نشان می‌دهد. با این‌همه آفت‌هایی هم دارد؛ مانند شته که به برگ و دم میوه گردو یورش می‌برد. یکی از بیماری‌های گردو این است که درخت باد می‌کند، می‌گویند درخت کر شده است. برای درمان با تبری یک بلست *be.lest* (وجب) قاچ می‌دهند، تا بادش

در شود و سال دیگر گردو بدهد. کرم خوردگی، بیماری‌ای است که درخت را پوک می‌کند. تنها در سال‌های بسیار سرد و یخبندان که برخی از شاخه‌های نازک می‌خشکند و یا درخت بار نمی‌دهد به هنگام جهیدن آذرخش، اگر درخت در پناه نباشد، همه گردوهایش سیاه و پوچ می‌شود که دیگر خوردنی نیستند و به آن جز برقزده je.ze.barq.za.de می‌گویند. آذرخش خود درخت را هم می‌خشکاند و زرد می‌کند. در مجموع در حال حاضر (۱۳۷۴) گردو جزء کم آفت‌ترین درخت‌های ایران است.

کاربردهای جنبی

بازی: انواع بازی‌ها با گردو انجام می‌شود که توصیف آن‌ها در حوصله این مقاله نیست. حتی بازی گردو ضرب‌المثلی را موجب شده است که می‌گویند برو «گردو بازی کن» این ضرب‌المثل کنایه از کسی است که هنوز بچه است و کارهایی بچه‌گانه می‌کند و یا می‌خواهند او را داخل آدم حساب نکنند.

جلوگیری از فرسایش

از روزگاران کهن درخت گردو مانند برخی از درخت‌های پر ریشه دیگر مثل بید، توت و غیره را برای جلوگیری از فرسایش به‌خصوص فرسایش ساحلی رودخانه‌ها می‌کاشته‌اند. گردو به علت تناوری و ریشه عمیقی که در خاک می‌گستراند از طرف روستاییان به‌عنوان مانعی برای تغییر جهت سیل‌ها غرس می‌شده و می‌شود.

سایه

درخت گردو به علت گستردگی، ایجاد سایه مناسب می‌کند. در برخی مناطق کشاورزان برای داشتن سایه در مزارع به‌ویژه دیمزارها تک‌درخت‌هایی را به‌صورت تنک می‌کارند تا از سایه آن، به‌خصوص در گرمای تموز؛ هنگام درو استفاده کنند.

گردو به عنوان پول

یکی از ویژگی‌های درخت گردو آن است که آن را می‌توان به صورت تک‌درخت و یا سهمی از یک درخت فروخت. در حقیقت گردو حکم دام را پیدا می‌کند. یک دامدار اگر دچار کمبود نقدینگی شد یک یا چند رأس دام خود را می‌فروشد، بدون آن‌که همه گله را بفروشد. یک روستایی گردوکار هم اگر دچار کمبود نقدینگی شد می‌تواند یک اصله از درخت گردو یا یک‌دانگ یا سهمی از یک درخت را بفروشد. این امر نقش مهمی در اقتصاد خانوار روستایی دارد. یکی از دلایل نشان دادن نهال گردو همین امر است. در صورتی که برای درختان دیگر لاقفل در مناطق کوهستانی این‌گونه نیست. کسی حاضر نیست یک درخت سیب یا گلابی را آن‌هم بدون زمین بخرد.

نتیجه

- ۱- تمام فرضیات این طرح به اثبات رسیده تلقی می‌شود.
- ۲- از دید آموزشی، مطالعات مربوط به گردو (که می‌توان هنوز آن را گسترش داد) به دانشجویان نشان می‌دهد که اگر با دید ژرف‌انگر به برخی مسائل، اصطلاحات، واژگان و نام‌ها توجه شود، مطالب ارزنده زیادی بر پژوهنده روشن می‌شود. این مطالب می‌تواند عمق مسائل فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه در روستاهای ما را نشان دهد. برای محققان این طرح بعد آموزشی مسائل مطرح‌شده در فرهنگ اصطلاحات روستایی بی‌نهایت ارزشمند است.
- ۳- گردو در روستاهای کوهستانی ریشه در فرهنگ ساختاری جوامع این روستاها دارد. این امر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی ویژه‌ای را فراهم آورده است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها یابوری‌ها و تعاون در امر بهره‌برداری است.
- ۴- گردو به علت نقش فرهنگی خود و به علت عمر دراز درخت به صورت واسطه‌العقد اجتماع خویشاوندی درآمدی است. افراد یک خانواده یا فامیل گسترده که به

گردو (دانش بومی کاشت، داشت و ... ۳۷

دلایل عدیده ازهم‌گسسته شده‌اند، به یمن شریک بودن در یک یا تعدادی درخت گردوی کهنسال که گاه از چند نسل قبل ارث رسیده است، از هم باخبر هستند. درخت گردو شجره‌نامه بسیاری از خانوارها گردیده است.

۵- از نقش فرهنگی گردو که بگذریم این درخت و محصول آن نقش اقتصادی مهمی در روستاهای کوهستانی دارد. طی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در بسیاری از روستاها از تعداد درختان گردو کاسته شده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر روستاییان زیادی به کاشت نهال جدید اقدام کرده‌اند. تشویق روستاییان به این امر می‌تواند در بهبود وضع اقتصادی و ایجاد روحیه تعاون و همکاری و بازسازی برخی سنت‌های نیکوی فرهنگی مؤثر باشد.

واژگان بومی

اِبره (eb.ra) [گیفان]، ده یک یا $\frac{1}{10}$ سهمی که در بخش‌بندی گردو رایج است.
ازکی (az.ki) [خرم‌آباد] پرسشی که به هنگام تقسیم گردو میان شرکا مطرح می‌شود.
بایه (ba.ya) [خرم‌آباد] ← گرمه.
بلست (be.lest) [خرم‌آباد] و جب.
پتیر (pa.tir) [فریزی] فطیر.
پاگشا (pa. go. Sa) [مهوید، امرودکان، کریمو].
پوستله (pus.te.le) [فریزی] پوست‌های کنده‌شده گردو که آن را خشک کرده برای رنگرزی به کار می‌برند.
پوکله (pok.le) [گیفان] ← پوستله.
په چینی (pe.ci.ni) [گیفان] پس از گردآوردن گردوها از زیر درخت، بچه‌ها زیر درخت‌ها را می‌جویند، هر کس هرچه یافت مال خودش.
جز (jez) [گیفان] = گردو.

جوالدوزی (jo.val.du.zi) [فردوس] ← سوزنی.
جوز (jowz) [مهوید، امرودکان، کریمو، مصعبی] = گردو.
جوز (jowz) [گلمکان، اخلمد، دولت‌آباد] گردو.
جوز روی (jowz. ravi) [مصعبی] ← یازدن.
جوز کل کنی (jowz. Kal. Ko. ni) [فردوس] ← لخ کردن.
جوز نوشته (jow.z-e-ne.ves.ta) [فریزی] ← چینگ بلند.
چینگ بلند (cing.bo.land) [فریزی] گردویی است با نوک تیز و مغز پر، خط‌هایی روی مغزش به چشم می‌خورد.
چینگ (cingi) [فریزی] ← چینگ بلند.
چینه گر (ci.ne. gar) [گیغان] کسانی که برای گردآوری و گردو چینی می‌آیند.
حق روه (haq. qe. ro.ve) [فریزی] $\frac{1}{10}$ و گاه شمار معینی گردو و یا پول که به روه داده می‌شود.
حق کشت (haq.qe.kest) [دولت‌آباد] حقی که پس از کشت نهال در باغ اجاره‌ای برای مستأجر پیدا می‌شود.
حلوا جزی (hel.va.je.zi) [گیغان] مخلوطی کوبیده از مغز گردو با کشمش.
حیطه (hey.ta) [فریزی] / حایط (ha.yet) [گیغان]، حیط (ha.yat) [کدکن] باغی با درختان جوان که با دیواری کوتاه (گلی یا سنگی) احاطه شده است.
حیطه چه (hey. Ta. ca) [فریزی] قسمتی از باغ که در آن نهال به صورت خزانه می‌کارند.
خوره خرده (xo.re.xor.da) [فریزی] ← کاغذی.
دانگ (dang) [مصعبی] $\frac{1}{6}$ و گاه حتی $\frac{1}{4}$ درخت گردو.
دست رونشو (das.te.ru.na.sow) [فریزی] گردویی که روی مغز آن خاکستری رنگ است.

- دولنه (dol.na) [فریزی] ← روه.
- روه (ro.va) [فریزی] کسی که برای تکاندن گردو بالای درخت می‌رود.
- ریوو (ri.vow) [کنگ] ← روه.
- زنج (zenj) [گیفان] انگم / شیره تراویده از تنه درخت را گویند.
- ساچ (sac) [گیفان] ظرفی کوژ و فلزی برای پختن نان و گاه برای تفت دادن گندم.
- سنگی (san.gi) [گیفان] ← سوزنی.
- سوزنی (su.za.ni) [مشهد] پوسته‌ای نسبتاً سخت دارد و پس از شکستن مغز آن به‌سادگی از پوسته جدا نمی‌شود و برای بیرون آوردن آن باید از جوال‌دوز استفاده کرد.
- شاخ (sax) [مصعبی] ← دانگ.
- شگلو (se.ga.lu) [فریزی] گردویی است ریز و گرد.
- قق (qeq) [گیفان] ← شگلو.
- کاغذی (ka. Qe.zi) [کنگ، فریزی، فردوس] بهترین گونه گردوست، با پوستی نازک که با دست هم می‌شکند، مغزش سفید و به‌آسانی بیرون می‌آید.
- کاک شکنی (ka.kes.ka.ni) [گیفان] ← لخ کردن.
- کر (kar) [گیفان] گونه بیماری درخت گردو که در اثر آن درخت باد می‌کند.
- کلاغ کشت (kalaq.kest) [فریزی] گردویی که کلاغان در زمین نهان می‌کنند و سبز می‌شود.
- کلاغونه (ke.la.qu. na) [فریزی] ← سوزنی.
- کلاک پیر (ke.lak. pir) [کنگ] ← سوزنی.
- کل جوز (kal. Jawz) [فریزی] ← پوسته.
- کلویی (kelo. Yi) [گیفان] ← سوزنی.
- کله قونه (kal.le. qu.na) [فریزی] ← سوزنی.
- گرم (ge. ream) [فریزی] گونه‌ای درخت سخت‌چوب که «یا» را از آن می‌سازند.

گرمه (ger.ma) [فریزی] گردوهای زودرسی را گویند که پیش از پاییز می‌رسند و پوست سبز آن‌ها شکافته شده و گردو می‌افتد.

گزنده (ge.zen.da) [کنگ] ← یا.

گوز سیلکیراک (goz. Sil. ki.rak) [خرم‌آباد] ← یازدن.

گولوندن (go.lon. dan) [گیغان] ← یازدن.

گولوندنی (go. Lon.da. ni) [گیغان] ← حق روه.

لال (lal) [گیغان] ← چینگ بلند.

لخ کردن (lax.ker.dan) [فریزی] کندن و پاک کردن پوست سبز گردو از روی پوسته سخت آن.

لیقی (li.qi) [کنگ] گرمه.

مته دراز (mat.te.ye.de.raz) [کنگ] ← چینگ بلند.

مته گرد (mat.te.gerd) [کنگ] ← نرمک.

نرمک (nar.mak) [فردوس] گردویی که پوستش از کاغذی سخت‌تر است و مغزی سفید دارد و به‌آسانی بیرون می‌آید.

نگاداشتنی (ne.ga.das.ta.ni) [گیغان] $\frac{1}{10}$ از گردوی درخت به کسی داده می‌شود که نگهبان همیشگی درخت بوده است.

وخمیات (vax.mi.yat) [گیغان] وقفیات.

وررو (var.row) [فریزی] ← ورو.

وررو (va.row) [فردوس] نهال گردو را هنگامی که از خزانه به جایگاه همیشگی‌اش می‌آورند تا ۱۰ سالگی به این نام می‌خوانند.

یا (ya) [فریزی] چوب بلند و محکم که برای تکاندن گردو به کار می‌رود.

یازدن (ya.ze.dan) [فریزی] کار تکاندن و یا چوب زدن درخت گردو را گویند

جاینام‌ها

شهرستان	آوا	آبادی	
مشهد	ab.ka.me	آبکمه	-۱
چناران	ax.la.mad	اخلمد	-۲
فردوس	am.rud.kan	امرودکان	-۳
مشهد	or.ta.kand	اورته کند	-۴
مشهد	baq.kand	باغکند	-۵
مشهد	bar.de	برده	-۶
چناران	boq.mej	بقمچ	-۷
چناران	pa.ya	پایه	-۸
سبزوار	xor.ram.a.bad	خرم‌آباد	-۹
مشهد	xa.je.mo.rad	خواجه مراد	-۱۰
چناران	dow.lat.a.bad	دولت‌آباد	-۱۱
مشهد	sar.rud	سررود	-۱۲
قوچان	ema.rat	عمارت	-۱۳
چناران	fi.ri.zi	فریزی	-۱۴
مشهد	qara.tikan	قره تیکان	-۱۵
مشهد	qal.e.no	قلعه نو	-۱۶
فردوس	ke.ri.mu	کریمو	-۱۷
مشهد	kang	کنگ	-۱۸
بجنورد	gi.fan	گیفان	-۱۹
چناران	gol.ma.kan	گلمکان	-۲۰
فردوس	mas.a.bi	مصعبی	-۲۱
فردوس	mah.vid	مهوید	-۲۲

منابع

- ابوسعید احمد بن سلمان. (۱۳۵۸)، *مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف*، از انتشارات سازمان اوقاف تهران، ص ۸۶.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۶۸)، *پیامدهای سیاسی، اقتصادی بلوچستان بدون نخلستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۳.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۶۷)، *فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- معین محمد. (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، امیرکبیر.
- *Encyclopedia Americana*, vol.28, p.304.
- *Encyclopedia Americana*. (1985). vol.28, p.304.